

دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه 11

کاربردهای تولدوت در سفر پیدایش با پیامدهایی

برای ترجمه

جورج پیتون و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر جورج پاتون در تدریس ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه یازدهم، کاربردهای تولدوت در پیدایش با پیامدهایی برای ترجمه است.

در حال حاضر، می‌خواهم با استفاده از یک عبارت خاص که در کتاب پیدایش آمده است، در مورد کاربرد ترجمه و کاربرد تفسیر صحبت کنم.

و این موضوع رساله دکترای من بود. وقتی در کنیا مشغول ترجمه اورما بودم، کارمان را با کتاب پیدایش شروع کردیم. و همانطور که ترجمه می‌کردیم، به این عبارت برخوردیم، اینها نسل‌های فلان و فلان هستند.

و کلمه عبری «تولدت» است. اینها «تولدت» آسمان‌ها و زمین هستند. اینها «تولدت» آدم، نوح و غیره هستند.

و همیشه این سوال را در ذهنم ایجاد می‌کرد که این کلمه واقعاً به چه معناست؟ به چه چیزی اشاره دارد؟ و این جمله، اینها تولدوت نوح هستند، آیا فقط چیزی است که به متن آن فصل یا آن بخش مربوط می‌شود؟ یا در مسائل سطح کلان‌تر نیز کاربرد دارد؟ و من به عنوان یک مترجم کتاب مقدس، متن را به عنوان یک ابزار ارتباطی می‌بینم. ما در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم. متن برای انتقال پیام خدا به مردم وجود دارد.

نیت نویسنده وجود دارد. کارکردهای متنی نیز وجود دارد. و همه اینها پایه و اساس مدل هرمنوتیکی هستند که من برای این ارائه و برای کاری که انجام می‌دهم استفاده می‌کنم.

ایده این است که نویسنده عمداً چیزهای خاصی را در متن قرار داده است که به ما سرنخ‌هایی در مورد منظور می‌دهد. بنابراین، من سعی می‌کنم به آنچه در متن عبری آمده است نگاه کنم تا بفهمم منظور از تولدوت چیست. بنابراین، معنا، هدف و کارکردهای تولدوت را تا حد امکان به زبان اورما که در آن کار کردم، و همچنین به هر زبان دیگری که ممکن است به آن نگاه کنید، به طور دقیق منتقل می‌کنم.

مشکل چیست؟ چرا ترجمه این عبارت یا این کلمه چالش برانگیز است؟ بنابراین اگر به متون مربوط به معنای تولدوت نگاه کنید، طیف وسیعی از نظرات در مورد معنای آن وجود دارد. طیف وسیعی از نظرات وجود دارد. آیا در ابتدای یک بخش آمده است؟ آیا در انتهای یک بخش آمده است؟ یا ترکیبی از هر دو، در بعضی جاها شروع شده و در جاهای دیگر؟ معنی آن چیست؟ بنابراین، هیچ اجماعی بین محققان وجود ندارد.

اگر به نسخه‌های کتاب مقدس نگاه کنید، هیچ اجماعی بین نسخه‌های کتاب مقدس در مورد همه این مسائل وجود ندارد. اول از همه، معنی دوم از همه، آیا این جمله در ابتدا آمده است یا انتها؟ می‌گویند بالانویس به معنی شروع و انجامه به معنی پایان است.

این در واقع یک عنوان به خودی خود نیست زیرا یک جمله کامل است. و بنابراین، بخشی از سطر اول آن بخش خاص از کتاب مقدس است. بنابراین، معانی پیشنهادی شامل نسل‌ها نیز می‌شود.

ما تاریخ، داستان، ریشه‌ها و تبارشناسی داریم. بنابراین، باید چیزی وجود داشته باشد که ما را قادر سازد به این موضوع به شیوه‌ای جدید نگاه کنیم. و اجازه دهید فقط مثالی از پیدایش ۶:۹ بزنم، و می‌توانیم ببینیم مشکل چیست و می‌توانیم برخی از این مشکلات را ببینیم.

بنابراین، در ترجمه تحت‌اللفظی انگلیسی عبری، اینها تولدوت نوح هستند. و اینها در واقع در عبری نیستند، اینها نسل‌های نوح هستند، ESV. اینها تولدوت نوح هستند.

ترجمه انجیل، اینها وقایع نسل نوح هستند. ترجمه انجیل، اینها شرح حال نوح و خانواده‌اش است. ترجمه انجیل، اینها داستان نوح است.

خب، ما این اختلاف را داریم. و من تمام تحقیقات و منابع را بررسی کردم، و آنها تمایل دارند به مسائل ساختار کلان در متن نگاه کنند تا مشخص شود که تولدو به چه معناست و کجا باید برود، یا کجا قرار دارد. و بنابراین آنها می‌گویند، خب، اگر چیزی که پس از آن می‌آید یک روایت است، پس به معنای تاریخ یا گزارش یا سابقه است.

این سابقه نوح و خانواده‌اش است. اگر قبل از یک شجره‌نامه، مانند پیدایش ۵، پیدایش ۱۰، پیدایش ۳۶، رخ دهد، اینها نوادگان آدم یا سام یا عیسو هستند. و بنابراین آنها به مسائل سطح کلان نگاه می‌کنند تا مشخص کنند که این به چه معناست، تا مشخص کنند که باید به کجا برود.

یکی از دیدگاه‌ها این است که، خب، در بیشتر جاها، در ابتدا اتفاق می‌افتد. اما در پیدایش ۲:۴، بیاید آیه را به دو قسمت تقسیم کنیم. اینها نسل‌های آسمان‌ها و زمین هستند، در واقع خلاصه‌ای از بخش اول فصل ۱ تا ۲:۳ است. و سپس در اواسط آیه، آنها یک عنوان بزرگ و یک بخش بزرگ و زیبا قرار می‌دهند ۲:۳.

و سپس آن آیه در ادامه آیه ۲:۴ ب ادامه می‌یابد، سپس روایت آدم و حوا و پسرانشان در باغ عدن را آغاز می‌کند. اما همه اینها در درجه اول مبتنی بر مسائل کلان است. و من فکر می‌کنم، آیا نباید به مسائل خرد نیز نگاه کنیم؟ چرا باید این کار را انجام دهیم؟ و من در مورد آن فکر کردم.

و من فکر می‌کنم، خب، در یک پرونده دادگاهی، اگر کسی به قتل برسد، یکی از چیزهایی که پلیس با آن شروع می‌کند این است که انگیزه به معنای یک فرصت است. و بنابراین آنها به انگیزه به معنای یک فرصت نگاه می‌کنند. و می‌گویند، خب، مشخصاً شوهر است، درست است؟ آیا او را دستگیر می‌کنند؟ نه.

چرا که نه؟ آنها هیچ مدرکی ندارند. این فقط یک نظریه است. خب، آنها چه کار می‌کنند؟ آنها به محل جرم می‌روند.

و آنها به چه چیزی نگاه می‌کنند؟ آنها به نحوه قرارگیری همه چیز نگاه می‌کنند. آنها به شواهد موجود در اتاق نگاه می‌کنند. آیا نشانه‌ای از درگیری وجود دارد؟ آنها به این نگاه می‌کنند که آیا خون آنجا هست؟ و آیا پاشیده شده است؟ و اگر چنین است، آیا می‌توانند توضیح دهند که خون چگونه به آنجا رسیده است؟ آیا به فرد شلیک شده است، یا مورد ضرب و شتم قرار گرفته است یا هر چیز دیگری؟ بنابراین، آنها به پاشیدن خون نگاه می‌کنند.

خون نگاه می‌کنند تا ببینند آیا قربانی است یا شخص دیگری DNA آنها به همه این موارد نگاه می‌کنند. آنها به یا هر چیز دیگری. آنها به تمام آن جزئیات نگاه می‌کنند. آنها به اینجا بسنده نمی‌کنند.

، آنها به روابط نگاه می‌کنند. آن شخص روابطی دارد. در مورد روابط آن روابط چطور؟ خوب، همسرش، خوب، در مورد اینکه آیا روابط دیگری هم دارد چطور؟ آنها به کامپیوتر، تلفن، ایمیل‌ها و تمام این سوابق شخص نگاه می‌کنند و سعی می‌کنند تا جایی که می‌توانند قطعات جزئی را کنار هم بگذارند تا با انگیزه، وسیله و فرصت در سطح کلان هماهنگ شوند.

و بنابراین، کاری که من سعی کردم انجام دهم این بود که این کار را با تولدو و پیدایش انجام دهم. بیایید ابتدا به مسائل سطح کلان نگاه کنیم و ببینیم که چگونه این موضوع به سطوح ساختاری بالاتر مربوط می‌شود. و اولین چیزی که متوجه می‌شویم این است که تولدو در جمله‌ای است که فعل ندارد.

این یک جمله‌ی بی‌فعل است. اینها کلمات تولدوت، نوح هستند. و بنابراین من به فعل نگاه کردم، به این شروع می‌شود *eleh* جمله‌ی بی‌فعل نگاه کردم و با کلمه‌ی

است. و بنابراین، چگونه تمام جملات دیگر در کتاب پیدایش که *(These)* «به معنی کلمه» این‌ها *(Ele)* ال در یک عبارت بدون فعل آمده است، چگونه استفاده می‌شوند؟ و شاید آن شواهد *(eleh)* در آنها الیه راهنمایی کند. بنابراین الیه، تولدو، شما *(Toledot)* «بتواند ما را به نحوه استفاده از این عبارت با «تولدوت» دارید *(Toledot)* و یک اسم، تولدوت *(These)* یک کلمه، ضمیر، این‌ها

این عبارت در سراسر سفر پیدایش چگونه استفاده شده است؟ این می‌تواند ما را به نحوه‌ی استفاده از تولدوت در سفر پیدایش راهنمایی کند. من نگاه کردم و دیدم وقتی این عبارت خارج از تولدوت استفاده می‌شود، همیشه با فهرستی از نام‌ها شروع می‌شود: اینها پسران فلانی هستند

و بنابراین، نام‌ها را می‌گیرید. و سپس در انتها ظاهر می‌شود. اینها پسران فلانی و فلانی هستند

همان عبارت است. بنابراین، در ابتدای مجموعه‌ای از نام‌ها، یک لیست، و در انتها استفاده می‌شود. و را مشخص *pericope* است، مانند یک جفت نگهدارنده کتاب، که ابتدا و انتهای آن *inclusio* بنابراین یک می‌کند.

خوب، خوب، این یک واحد زمان‌بندی شده است. آیا تا به حال بدون اینکه در ابتدا باشد، در انتها استفاده شده است؟ خیر. همیشه در انتهای یک بخش روایی برای مشخص کردن شروع و پایان یک بخش روایی استفاده می‌شود.

آیا برای خلاصه کردن اتفاقات آن روایت استفاده می‌شود؟ نه، اینطور نیست. چیزی که این به ما می‌گوید این است که، هر کجا که آن را پیدا کنید، در ابتدای روایت‌ها، عمدتاً فرمول تولدو، رخ می‌دهد، اما این یک مورد مشکوک است، بنابراین هنوز نمی‌توانیم به آن پردازیم. اما هرگز در پایان روایت‌ها رخ نمی‌دهد.

این فقط در این مورد شمول یا در ابتدای روایت‌ها رخ می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد که همیشه در ابتدا است. هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد در انتها می‌آید.

بنابراین، این پیشنهاد که در پایان فصل ۲.۳ و آغاز فصل ۲.۴ به عنوان خلاصه آمده است، از نظر دستوری توسط متن عبری پشتیبانی نمی‌شود. بنابراین این بدان معناست که در ابتدای نسب‌نامه‌ها در پیدایش، در ابتدای بخش‌های روایی در پیدایش، از جمله فصل ۲، آیه ۴، قرار دارد. به آن آیه خواهیم رسید و آن را کمی بیشتر بررسی خواهیم کرد. و اگر به متن ماسورتیک نگاه کنید، ارزشش را دارد.

Toledot همیشه قبل از pay. همان شروع بخش جدید است pay همیشه قبل از آن می‌آید، و pay کلمه نیز وجود دارد که آنها همان Masoretic می‌آید، همیشه، از جمله بین ۲.۳ و ۲.۴. بنابراین شواهدی در متن چیزی را که من توضیح دادم تعیین می‌کنند. بنابراین، متوجه می‌شویم که در ابتدا، اولین جمله آن بخش قرار دارد.

نکته‌ی دیگر این است که واقعاً به چه معناست؟ چون همانطور که گفتیم، شما ۶، ۸، ۱۰ چیز مختلف دارید. بسیار خوب، من موافقم که احتمالاً معانی مختلفی دارد، اما نمی‌تواند به دو یا سه یا چند چیز در یک آیه اشاره داشته باشد. بنابراین وقتی گفته می‌شود «این تولد نوح است»، نمی‌تواند به معنای شمارش و نسل باشد.

بخشید، این به جور بی‌ربطگیه. نمی‌تونه همزمان دو تا معنی داشته باشه. یادتون باشه، ما همیشه می‌گیم که زمینه تعیین می‌کنه کدوم حس در اون مکان خاص تحریک بشه.

بنابراین، من هر ۳۹ مثال از تولدوت و کل عهد عتیق را تجزیه و تحلیل کردم. و با اطلاعات بسیار کمی که در آن جمله وجود دارد، هیچ فعلی وجود ندارد و آنها فقط رابطه را دارند. من سعی می‌کنم فکر کنم، چگونه می‌توانم بدانم که این به چه چیزی اشاره دارد؟ و کلمه "اینها" در عبری می‌تواند به عقب اشاره کند، مانند انتهای یک لیست، اینها نوادگان حام هستند.

فقط در آن فعل و جمله در انتها می‌آید، اگر در ابتدا وجود these اما به یاد داشته باشید، ما گفتیم که کلمه Toledot است و فرمول Toledot داشته باشد. بنابراین، نقطه شروع من این بود که، بسیار خوب، این با Toledot برابر است با these شروع یک بخش جدید است. و کلمه

ضمیر جمع است these، اسم جمع است. بنابراین Toledot. بنابراین این دو با هم می‌آیند.

و آنها برابرند. آنها از نظر نوع، از هر نظر، برابرند. آنها از نظر تعداد و جنسیت برابرند.

بنابراین این فقط یک نکته دستوری عادی است که برای هر کلمه خاص در هر زبانی یکسان است. بنابراین، آن تساوی در اینجا به ما سرنخی می‌دهد که به چیزی جمع در متن اشاره دارد. بنابراین، پس در جمله نیست.

وقتی به متن نگاه می‌کنیم چه چیزی پیدا می‌کنیم؟ و بنابراین، من به شجره‌نامه‌ها نگاه می‌کردم. و شما به پیدایش ۵ نگاه می‌کنید. و شجره‌نامه می‌گوید، سام پدر ارفکشاد بود. او پسران و دختران دیگری داشت.

او مُرد. اَرْفَکْشاد پدر فلان و فلان شد و غیره. و خوب، در آن باب خاص چه نوع کلماتی می‌بینیم؟ کلمه «پدر شد» را داریم.

ما صاحب پسر و دختر می‌شویم. و من دارم فکر می‌کنم، این چه چارچوب معنایی، چه چارچوبی در جامعه را به ذهن متبادر می‌کند؟ همه اینها کلمات خانوادگی هستند. همه آنها کلمات مربوط به روابط هستند.

و بنابراین اگر فکر می‌کنید، «اینها» و «تولدت» به چه چیزی اشاره دارند؟ به افرادی اشاره دارد که از نسل آدم یا از نسل سام یا از نسل عیسی هستند. بنابراین، به آن اشاره دارد. بنابراین، واقعاً تفاوت بین فهرستی از افراد خانواده من، یک تفسیر ممکن است.

یا به این معنی است که این تصویری از افراد خانواده من است. و بنابراین، این واقعاً یک تصویر است. این افراد در تصویر، نوادگان آدم هستند.

این افراد در تصویر، نوادگان فلان شخص هستند. و بنابراین، به نوادگان آن شخص، چندین نسل، اشاره دارد. می‌تواند شامل مردان و زنان باشد.

بنابراین، هیچ ویژگی جنسیتی وجود ندارد. بنابراین، با نگاه به آن، به معنی فرزندان آن شخص است. و بنابراین خلاصه یک کلمه‌ای آن، فرزندان خواهد بود.

و به نظر می‌رسید که این موضوع در کتاب پیدایش، در شجره‌نامه‌های کتاب خروج و در شجره‌نامه‌های کتاب تواریخ نیز وجود دارد.

خب، شماره یک کاربرد منحصر به فرد کلمه تولدو است. می‌گوید، از روبن، تولدت مبارکشان. و این به مردانی که ۲۰ سال داشتند و می‌توانستند به جنگ بروند، ۵۶۰۰۰ نفر، چیزی در این حدود، می‌دهد.

خب، این تولد آنهاست و بعد یک شماره داده می‌شود. آیا اسمی به ما گفته شده؟ نه. آیا به ما گفته شده پدران چه کسانی هستند؟ نه، شاید حتی هزاران نفر بودند.

آیا به ما گفته شده است که نام فرزندان چه کسانی است؟ خیر. هدف این بود که بفهمیم چند نفر از قبیله روبن و سایر قبایله‌ها بوده‌اند. بنابراین، با توجه به همه این‌ها، این به معنای فرزندان است، اما کاربرد آن کمی متفاوت است، زیرا تمرکز روی نام‌ها نیست.

بنابراین، روی عدد است. و بنابراین، از یک نظر، معنای متفاوتی دارد، اگرچه بسیار بسیار نزدیک است. بنابراین، ممکن است زیرمجموعه‌ای از کل نسل باشد.

این نسل شماره‌گذاری شده است. و ما همین را در تواریخ می‌یابیم. اینها کسانی هستند که در سال ۹۵۶ از قبیله یهودا و غیره در اورشلیم ساکن شدند.

بنابراین، ما نسل داریم، نسل شماره‌گذاری شده. حالا، به جایی که قبل از روایت آمده نگاه می‌کنیم. این فقط قبل از روایت در پنج بخش از سفر پیدایش آمده است.

این فقط قبل از روایتی در فصل ۳ کتاب اعداد آمده است. اینها تولدو موسی و هارون هستند. و سپس همانطور که می‌خوانیم، می‌گوید پسران دیگر هارون به دلیل شورش علیه خداوند مردند. و سپس اینها پسرانی هستند که به عنوان کاهن با هارون خدمت می‌کردند.

و به همین ترتیب نام پسرانش را می‌دهد. اگر به نوح نگاه کنیم، که در پیدایش ۶ با نوح ذکر شده است، سام، حام و یافث. اینها پسران بلافصل او هستند.

و سپس به تارح نگاه می‌کنید. این تولدو تارح است. آنها چه کسانی هستند؟ ابراهیم، ناحور و لوط.

و، بنابراین، از این نظر، به معنای نسل است، اما این یک چیز خاص‌تر است که بر فرزندان بلافصل او فرزندان ذکور او، تمرکز دارد. و بنابراین، از این نظر، به معنای فرزندان ذکور است. سپس به پیدایش ۲:۴ می‌رسیم. در پیدایش ۲:۴ به چه کسی اشاره می‌کند؟ و بنابراین، ما به دنبال چند چیز متفاوت هستیم.

تا اینجا، دیده‌ایم که به افراد اشاره دارد. بنابراین، در ۳۸ مورد از ۳۹ مورد، به این افراد اشاره می‌کند. بنابراین، آیا ممکن است به عنوان نقطه شروع، منظور از افراد در ۲:۴ باشد؟ افرادی که پدرشان... بوده است.

هم جمع است. بنابراین Toledot برخی موجودیت‌های جمع در متن وجود دارند، زیرا این‌ها جمع هستند و ما به همه این موارد نگاه می‌کنیم و سعی می‌کنیم آن را بفهمیم. و با نگاه کردن به آن، دوباره، جمله اطلاعات کافی به ما ارائه نمی‌دهد.

آن یکی کمی طولانی‌تر است و می‌گوید در روزی که آنها آفریده شدند، زمانی که خدا زمین و آسمان‌ها را آفرید اما با نگاهی به فصل ۲، فصل ۳، فصل ۴، داستان درباره چیست؟ آدم، حوا و پسران. آیا ممکن است که به آنها اشاره کند؟ این در واقع یک تفسیر درست بود.

کار می‌گوید این تعبیر چند دهه پیش، در دهه‌های ۳۰، ۴۰، ۵۰ و شاید تا دهه ۶۰ میلادی رایج بود. اما این تعبیر از محبوبیت افتاد. اما این یکی از تعبیرهای موجه در مورد مخاطب این جمله است.

و بنابراین، اگر منظور آدم و حوا و فرزندانشان باشد، با عبارت «اینان تولدت آسمان‌ها و زمین هستند» چه می‌کنیم؟ بنابراین، آیا آسمان‌ها و زمین، آدم و حوا را به وجود آوردند؟ آیا اصلاً می‌توان آنها را به عنوان والدین مجازی آدم و حوا در نظر گرفت؟ برخی از محققان می‌گویند بله. من به این موضوع نگاه می‌کنم و می‌گویم، آیا چیزی در پیدایش وجود دارد که نشان دهد خدا این کار را انجام داده است؟ بله.

خدا سخن گفت و این [سخن] تا انتها ادامه یافت. و بعد نگاه می‌کنید، آیا زمین کاری انجام داد؟ زمین در تمام این مدت منفعل بود. به آیه ۱:۲ نگاه می‌کنید که به خلقت اشاره دارد و در اشاره به آنها از ضمیر مجهول استفاده می‌کند.

و حتی در فصل ۲، آیه ۴، در خلقت آنها یک فعل مجهول وجود دارد. بنابراین، هم فعل انجام می‌شود و هم فعل انجام نمی‌شود. بنابراین، نمی‌تواند آسمان‌ها و زمین به عنوان کسانی باشند که آدم و حوا را به وجود آوردند.

بنابراین، آیا می‌تواند خدا باشد؟ اگر بگویید اینها تولدت خدا هستند، یک لحظه صبر کنید. ما باید واقعاً در این مورد محتاط باشیم زیرا مردم چه فکر می‌کنند؟ خدا از نظر جسمی پدر آدم و حوا بود. نظر من این است که نویسنده پیدایش می‌خواست به هر قیمتی از این امر جلوگیری کند زیرا معتقد بود که خدا واقعاً می‌تواند در آن روزها این کار را انجام دهد.

در خاور نزدیک باستان، خدا با انسان‌ها رابطه داشت و سپس صاحب فرزند می‌شد. بنابراین، بیایید کاملاً از این موضوع فاصله بگیریم و حتی در این مورد نامی از خدا نبریم، مگر پس از خلقت آنها در روزی که خداوند زمین و آسمان‌ها را آفرید.

سپس او را آورده‌اند، اما نه در آن عبارت. خب، معنی‌اش چیست؟ خب، ما بررسی کردیم که این عبارت، استفاده شده است، فکر می‌کنم، در دو کتاب دستور زبانی که من بررسی کردم of چگونه استفاده می‌شود. و در عهد عتیق وجود دارد of کاربرد مختلف کلمه ۲۸.

باشه، پس این خیلی کمکی نمی‌کنه. اما اگه به بعضی‌ها نگاه کنید، مثل چیزی که تو فصل ۲ گفته شده، در مورد جاهای مختلف صحبت می‌کنه. و می‌گه طلای اوفیر از کیفیت بالایی برخوردار بوده.

عالیه. آیا این طلا را اوفیر تولید کرده است؟ احتمالاً نه. آیا در سرزمین اوفیر طلا بوده است؟ بله.

آیا طلا بود که آنها استخراج کردند و از اوفیر بیرون آوردند؟ بله. و بنابراین، به نوعی ارتباطی بین طلا و جایی که از آن آمده است وجود دارد. و اگر به نحوه اشاره به آسمان‌ها و زمین نگاه کنیم، و به سفر خروج نگاه کنید، وقتی موسی می‌گوید، من در مورد خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است به شما می‌گویم، و سپس این را می‌گوید، و هر آنچه در آنهاست

و این شامل ستارگان، خورشید، ماه، گیاهان و حیوانات می‌شود. و بنابراین، از نظر مفهومی، آنها آسمان‌ها و زمین را به عنوان این چیز بزرگ تصویر می‌کنند. خدا ستارگان را در آسمان قرار داده است

خدا ماهی‌ها را در دریا قرار می‌دهد. خدا گیاهان و حیوانات را روی زمین قرار می‌دهد. و بنابراین، این ایده که در مورد آسمان‌ها و زمین به عنوان یک مکان صحبت می‌کند، به عنوان نقطه شروع، پس من از شما می‌پرسم که در آیه ۲.۷، خدا خاک را از کجا آورده است؟ از زمین

و بنابراین، این مفهوم که آسمان‌ها و زمین مکان هستند، تفسیری است که به نظر من بیشترین معنا را دارد اینک آدم و حوا از آنجا آمده‌اند. بنابراین، این افرادی که قرار است در موردشان صحبت کنیم، کسانی هستند که آفریده شده‌اند. و باز هم، باید از «آفریده شده» به جای «زاده شده» استفاده کنیم

بنابراین، از این نظر، شک کامل به عنوان یک استعاره استفاده می‌شود. به زبان استعاری، این شک ساخته شده است. در واقع، این یک کنایه است، اما به هر حال

بنابراین، این به صورت مجازی به معنای آفریده شده از آسمان‌ها و زمین است. بنابراین، این افراد کسانی هستند که از آسمان‌ها و زمین آفریده شده‌اند. و این چهار معنای اصلی شک کامل است

حالا، ما به این عبارت به عنوان یک آرایه ادبی نگاه می‌کنیم. و همانطور که به آن نگاه می‌کنید، یک بخش روایی و سپس یک بخش تبارشناسی، تبارشناسی روایی، در کل وجود دارد. و کل چیزی است که هر یک از این روایت‌ها و تبارشناسی‌های مرتبط را به هم متصل می‌کند

و بعد، همانطور که نگاه می‌کنید، چه چیزهای دیگری به آن می‌پیوندد؟ خب، چه کسی در روایت ذکر شده است؟ خب، اگر به آیه ۶:۹ نگاه کنید، چه کسی ذکر شده است؟ نوح و پسرانش. خب، آیه ۸:۶ شجره‌نامه نیست. آن کجاست؟ این مربوط به فصل ۵ است. بنابراین، این شجره‌نامه فصل ۵ را به وقایع فصل ۹:۶ مرتبط می‌کند. بنابراین، ما آن ارتباط را آنجا می‌بینیم

سپس، داستان سام، حام و یافت روایت می‌شود. فصل ۹ با این جمله به پایان می‌رسد: «بنابراین، سام در انتهای فصل ۹ برجسته شده است.» فصل ۱۰ جدول ملل تا ۱۱:۹ است. ۱۰:۱۱ جاده عوارضی سام است. دو سال پس از سیل، او صاحب این پسر شد

و بنابراین، این ما را به فصل ۹ بازمی‌گرداند. و بنابراین، هر بار که یکی از این شخصیت‌های اصلی را داریم تولد و شجره‌نامه شخصیت اصلی را به داستان مربوط به شخصیت اصلی پیوند می‌دهد. اما نه فقط دو مکانی که به هم مرتبط هستند، بلکه زمان، مکان و افراد را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، می‌بینیم که تمام آن چیزها را تا انتها به خط داستانی اصلی پیوند می‌دهد

و منظور ما از خط اصلی داستان چیست؟ خب، اگر به فعلی که در تمام طول داستان استفاده شده نگاه شکل دیگری از این فعل است، به معنی پدر Holid. به معنی تحمل کردن است Yelad کنید، می‌گویم گرفته شده است Holid از فعل Toledot کردن. و

بنابراین، در تمام این ماجرای پدر بودن، هولید حلقه‌ی اتصال است که تمام این بخش‌ها را به هم پیوند می‌دهد. و همانطور که گفتیم، این حلقه به مکان، قبل از طوفان، و زمان مربوط می‌شود. سام فرزندان را داشت.

بخشید، بعد از سیل، دو سال بعد از سیل. بنابراین، این همه عناصر را در شجره‌نامه‌ها، در روایت‌ها، در تمام طول مسیر به هم متصل می‌کند. نکته دیگر در این بخش‌های روایی است و ما دو کلمه دیگر داریم که می‌تواند به معنای پسران باشد.

یکی پسران، بنییم، و دیگری زراح است که به معنی نسل است. و همانطور که به آن نگاه می‌کنید، خدا به نوح می‌گوید، من این سرزمین را به نسل تو خواهم داد. در واقع، او به ابرام می‌گوید، من این سرزمین را به نسل تو خواهم داد.

و بنابراین وعده‌های خدا به پدران (یا پدران پدران) با کلمه «نسل» مرتبط بودند. آیا این با کلمه «تولد» تضاد است؟ خیر، این کلمه با «تولد» در ارتباط است. بنابراین عهد، نسل و تولد به هم بافته شده‌اند. تا این طناب منسجم را تشکیل دهند که داستان پیدایش را به پیش می‌برد.

و آن داستان چیست؟ این داستان بر رابطه الهی انسان با انسان تأکید دارد. اینها افرادی هستند که خدا با آنها رابطه ویژه‌ای داشت. آدم، شیث، نوح، سام، تارح، ابراهیم، اسحاق و یعقوب.

و اینها شخصیت‌های اصلی کتاب پیدایش هستند. در مورد شخصیت‌های دیگر چطور؟ آنها آنجا هستند و نوادگانی هستند که شایسته ذکر شدن هستند. اما در جدول ملت‌ها، نوادگان غیربرگزیده را داریم.

در فصل ۲۵، آیات ۱۲ تا ۱۸، نوادگان اسماعیل را داریم. و سپس در فصل ۳۶ عیسو را داریم. و اگر به آن نگاه کنید، آن تبارنامه‌ها متفاوت به نظر می‌رسند.

آنهايي که شخصیت‌های اصلی را دارند، شجره‌نامه‌های قطعه‌بندی شده نامیده می‌شوند، که در آنها از هر نسل به یکی اشاره شده است. دیگری، بخشید، شجره‌نامه‌های خطی است. شجره‌نامه‌های قطعه‌بندی شده، شجره‌نامه‌های دیگری هستند و اطلاعات بسیار بیشتری دارند.

آنها همچنین در هر سطح بیش از یک نفر را معرفی می‌کنند. بنابراین این دو با هم متفاوت هستند و همانطور که در ادامه می‌بینیم، سطوح خطی، افرادی را که در خط اصلی داستان هستند و رابطه ویژه‌ای با خدا دارند، به هم متصل می‌کنند. و آن رابطه ویژه را که در پیدایش ۲-۳ می‌بینیم، پرستش است.

خدا آفرید، و خدا آن را تقدیس کرد روز هفتم. و آن روز هفتم مقدس است. در فصل ۴ کتاب پیدایش بر چه چیزی تأکید شده است؟ راه درست پرستش.

وقتی نوح از طوفان بیرون آمد، چه می‌بینیم؟ او عبادت می‌کرد. در مورد ابراهیم چه می‌بینیم؟ او هر جا که می‌رفت، قربانگاهی می‌ساخت و خدا را می‌پرستید. و بنابراین، این ویژگی عبادت در تمام این مردان برگزیده ادامه می‌یابد.

همین اتفاق برای اسحاق و همین اتفاق برای یعقوب افتاد. او در تمام عمرش، هر جا که می‌رفت، خدا را می‌پرستید. و بنابراین، آن مضمون پرستش با این عبارت از تولدوت به بذر و وعده مرتبط می‌شود.

و بنابراین ما آن طرح بزرگ را می‌بینیم. بنابراین، تولدو چیزهای سطح کلان را به چیزهای سطح خرد متصل می‌کند تا انسجام ایجاد کند. این به هم می‌چسبد، و انسجام، در تمام طول مسیر منطقی به نظر می‌رسد.

و اگر در نظر بگیرید، کارکرد کتاب پیدایش چیست؟ پیدایش همان تورات است. و چه چیزی به ما می‌آموزد؟ یعنی (asah) یعنی گوش دادن، آسه (shema) به ما می‌آموزد، و به گفته والتون، به ما می‌آموزد که شما انجام دادن. ما باید به خدا گوش دهیم و انجام دهیم.

و بنابراین، اگر آن را مانند یک عبری بخوانیم، این چیزی است که از کتاب پیدایش به دست می‌آوریم. بنابراین داستان بزرگ در مورد پیدایش، اگر بخواهید آن را اینگونه بنامید، داستان بزرگ چیست؟ خدا رابطه ویژه‌ای با یک نسل خاص از افرادی که انتخاب می‌کند برقرار می‌کند، اما با این حال او همچنان رابطه‌ای سست‌تر با افراد دیگری که به آن نسل برگزیده متصل هستند، اما نه از آن نسل برگزیده، حفظ می‌کند. پس بگذارید این نمودار را با شما به اشتراک بگذارم.

باشه؟ این نمودار مقدمه رو نشون میده، که شامل پیدایش ۱، ۱ تا ۲، ۳ میشه. آخرین شخصی که در بخش قبلی ذکر شده، شخصیه که در فرمول تولدو پررنگ شده. و بنابراین یک پیوند پایان-آغاز در خط اصلی انتخاب شده وجود داره، نه بقیه، بلکه در خط اصلی انتخاب شده. بنابراین به آدم و حوا اشاره شده.

اینها تولدوت آسمان‌ها و زمین هستند. آنها شخصیت‌های اصلی هستند که در کانون توجه قرار گرفته‌اند. آخرین کسی که در پیدایش ۴ از او نام برده شده، شیث است.

و سپس آدم و شیث در فصل ۵ در شجره‌نامه به هم می‌پیوندند. در پایان شجره‌نامه، نوح به همراه سه پسرش در کانون توجه قرار دارند. نوح و سه پسرش در فرمول تولدوت ذکر شده‌اند. سپس نوح به سام می‌رسد.

سام در روایت برجسته شده است و غیره. و بنابراین، ما این پیوند دم و سر را می‌بینیم که از میان می‌رود. و این نخ، این طناب اصلی است که از طریق پیدایش عبور می‌کند و همه این بخش‌ها را به هم متصل می‌کند.

اینگونه است که تولدو در سفر پیدایش عمل می‌کند. پیامدهای ترجمه چیست؟ یکی این است که تشخیص دهیم که اینها انسان هستند و گفتن اینکه اینها، با اشاره به انسان، فرزندان آدم، نوح و دیگران هستند استفاده از همین عبارت در تمام طول مسیر واقعاً برای خواننده مفید است که بدانند این بخش اصلی در ابتدا است.

بنابراین، اگر از عبارات مختلفی استفاده کنید، مانند نسخه‌های امروزی کتاب مقدس، بسیاری از آنها بیش از یک عبارت برای فرمول تولدوت دارند. این بسیار گیج‌کننده است. اما اگر همان عبارت باشد، می‌توانید متوجه شوید.

بنابراین، اینها فرزندان شخصی هستند که ذکر شده، جد نامبرده. و سپس در جاهای دیگر کتاب مقدس، اینها فرزندی هستند که در اعداد و تواریخ شماره گذاری شده‌اند. و اگر در اعداد باشد، به فرزندان هارون اشاره دارد، ما آن را به همان صورت ترجمه خواهیم کرد.

از آنجایی که این یک فرمول تولدوت است، اینها نوادگان هارون هستند و به پسر او اشاره دارد. و خواننده این را متوجه خواهد شد. بنابراین، ما بسته به معنایی که برانگیخته می‌شود، ترجمه آن را انتخاب می‌کنیم.

به استثنای سفر پیدایش، گاهی اوقات به معنای کل فرزندان است و گاهی اوقات فقط به معنای پسران. اما به خاطر این نشانگر قدرتمند پیوند دهنده بخش‌ها در تمام طول سفر پیدایش، خوب است که از همان عبارت در تمام طول سفر استفاده کنیم. بنابراین، این یک تفسیر است.

اگر تفسیرهای دیگری دارید، اشکالی ندارد. اما این چیزی است که ما به آن رسیده‌ایم، و امیدواریم مترجمان ما در این زبان‌های دیگر، اکنون حداقل یک منبع دیگر برای بررسی هنگام تلاش برای ترجمه کتاب پیدایش داشته باشند. متشکرم.

من دکتر جورج پاتون هستم در تدریسش در مورد ترجمه کتاب مقدس. این جلسه یازدهم است، کاربردهای تولدوت در سفر پیدایش با پیامدهایی برای ترجمه.